

۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد!



در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن می باشیم. روزی که زنان مبارز و آگاه در کشور های مختلف به اشکال گوناگون آن را پاس داشته و می کوشند در این روز با نگاهی به دستاوردهای مبارزاتشان جهت رهایی و رسیدن به تساوی کامل با مردان و نابودی همه اشکال ستم بر زن، راه مبارزه در پیش رو را روشن و خود را برای پیمودن چنین راهی آماده سازند. از سال ۱۹۱۰ که در دومین کنگره زنان سوسیالیست در کپنهاک به پیشنهاد کمونیست برجسته آلمانی - کلارا زتکین - ۸ مارس به مثابه روز جهانی زن تعیین شد، روزی نبوده که زنان مبارز و آگاه در چهار گوشه جهان علیه ظلم ها و نابرابری های ذاتی نظام سرمایه داری علیه زنان اعتراض و مبارزه نکرده باشند. در واقع، روز جهانی زن روزی است که زنان مبارز با نمایش قدرت رزمندگی خود، بر عزم خویش برای رسیدن به رهایی تاکید می کنند.

واقعیت این است که نظام سرمایه داری با مردسالاری تنیده است. از این رو این نظام در روند استثمار کارگران، ستم و استثمار مضاعفی را بر زنان کارگر تحمیل می کند. درست بر این پایه و در جهت برقراری چنین ظلم مضاعفی است که حقوق انسانی و اجتماعی زنان نیز مورد تعرض نظام سرمایه داری قرار دارد. این تعرض چه در جوامع تحت سلطه امپریالیسم و چه در خود جوامع امپریالیستی به طور آشکار و پنهان، در عرصه های عُرف و قوانین بر زنان اعمال می شود و آنها انواع ستم های اقتصادی، اجتماعی را متحمل می شوند. اگر در دوران رونق، سرمایه دار ها با عدم پرداخت مزد برابر در مقابل کار مشابه با مردان، شیره جان زنان کارگر را می کشند، در دوران بحران های ذاتی این نظم ظالمانه، زنان اولین قربانیان بیکارسازی های الزامی سرمایه داران زانو صفت می باشند. این واقعیت امروز با توجه به شدت رکود توأم با تورم در اقتصاد سرمایه داری که شیوع اپیدمی کرونا نیز بر شدت آن افزوده است، با برجستگی در مقابل چشم همگان قرار گرفته است. ما امروز در همه کشور ها شاهدیم که این زنان هستند که در وهله اول بار بحران های ذاتی سیستم سرمایه داری را بر دوش می کشند. بیکاری در درجه اول دامن آنها را گرفته است و در توجیه این امر مرتب آیات و پیام های مذهبی ای ذکر می شوند که مطابق آنها اصولاً زن برای انجام کارهای خانه و بچه داری متولد شده است.

در شرایط سلطه نظام جابرانه سرمایه داری در ایران که تا بن استخوان به امپریالیستها وابسته است، رژیم جمهوری اسلامی به مثابه سگ نگهبان سرمایه داران، اعمال ضد مردمی خود را با تکیه بر لفافه ایدئولوژیک مذهبی و اسلام پناهی توجیه می کند. بر این اساس مردسالاری و تقویت آن در جامعه در پوشش ایدئولوژی اسلامی، دست سردمداران جمهوری اسلامی جهت اعمال تبعیض و پایمال کردن حتی بدیهی ترین حقوق علیه زنان را هر چه بیشتر باز گذاشته است. این تبعیضات و اجحافات در شرایطی اعمال می شوند که رژیم حاکم مرد را نان آور خانواده شناخته و با این توجیه، بیشرمانه ترین ظلم ها را در حق زنان اعمال

می کند. در جمهوری اسلامی نه تنها زنان در مقابل کار مشابه با مردان دستمزد خیلی کمتری می گیرند بلکه با شرایط کار و استثمار وحشیانه ای نیز روبرو هستند. مثلاً بخش بزرگی از نیروی کار در کارگاه های کوچک را زنان تشکیل می دهند؛ و این در حالی است که از زمان ریاست جمهوری خاتمی به اصطلاح اصلاح طلب، کارگاه های زیر ده کارگر از شمول قانون کار خارج شده اند. در نتیجه امروز زنان کارگر در این کارگاه ها مجبورند با کمترین دستمزد و بدون بیمه و دیگر مزایای تأیید شده در قانون کار، تن به استثمار وحشیانه و کمر شکن دهند. بیکاری گسترده در میان زنان و در صورت داشتن کار، دریافت مزد بسیار نازل، بسیاری از زنان ستم دیده بی پناه را به قعر مرداب فقر و فلاکت پرتاب نموده و این امر عملاً پدیده هائی چون تن فروشی و قاچاقچی گری و خلافهای دیگر را در بین آنها رواج داده است. اگر سرمایه داران، زنان کارگر و زحمتکش را در حوزه اقتصاد تحت استثمار مضاعف قرار می دهند، دولت حامی آنان یعنی جمهوری اسلامی برای تأمین منافع سرمایه داران با اعمال دیکتاتوری و با به اجرا در آوردن قوانین قرون وسطائی ضد زن، عملاً کارد به استخوان زنان تهدیدست رسانده و زندگی را بر آنان طاقت فرسا کرده است. اما این تنها زنان کارگر و زحمتکش نیستند که از چنین شرایطی رنج برده و تحت فشار قرار دارند بلکه زنان متعلق به دیگر اقشار و طبقات تحت سلطه نیز شدیداً از تبعیض و ستم های تحمیلی در رنج و عذاب به سر می برند. از جمله انواع ستم بر زنان، سلب حق آزادی پوشش از آنان می باشد. ولی این ستم با همه فشارها و تأثیرات مخربش تنها یکی از آشکارترین ستم های اعمال شده بر زنان می باشد.

درست به دلیل انعکاس واقعیت استثمار و ستم مضاعف بر زنان و شدت ظلم و ستم بر آنان است که در هر میدان مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی، زنان مبارز در صف اول مبارزه علیه دیکتاتوری حاکم قرار گرفته و رزم خود را دوش به دوش مردان همه طبقه ای های خود پیش می برند. نگاهی به حضور برجسته زنان در قیام دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ و همین مبارزات قهرمانانه روز های اخیر خلق بلوچ در سراوان و دیگر شهرهای بلوچستان، رزمجویی زنان را تأیید می کند. زنان مبارز ایران باید بدانند که با شرکت در مبارزات عمومی و با کوشش در طرح خواسته های برحق خاص زنان در این مبارزات می توانند در جهت رهایی جامعه ایران از سلطه دشمنان و در نتیجه در جهت رهایی زنان گام بردارند. این را هم باید به یاد داشت که با گسترش مبارزات زنان و نقش آفرینی غیر قابل انکار زنان در قیام های مردمی و آشکار شدن پتانسیل انفجاری نهفته در خشم و نفرت آنها، طبیعی است که جناح هایی از جمهوری اسلامی بکوشند تا جهت کنترل این پتانسیل انفجاری، بر مبارزات آنها سوار شده و مسیر این مبارزات را به بیراهه ببرند. به همین دلیل هم در سالهای اخیر شاهد تبلیغات وسیعی در رابطه با "منشور حقوق شهروندی" یا "یک میلیون امضاء" بوده ایم، فعالیت هایی که سازمان دهندگان آنها می کوشند جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری در ایران را از آماج مبارزات زنان دور نمایند.

از طرف دیگر شاهد بوده ایم که تبلیغات رسانه های ارتجاعی با ارائه برنامه هائی نظیر "چهارشنبه های سفید" می کوشند منافع زنان طبقات مرفه را بیان و برجسته کنند. آنها همواره در تلاش اند تا به اکثریت زنان ایران که متعلق به طبقات محروم جامعه هستند بقبولانند که در شرایط سلطه نظام سرمایه داری و دیکتاتوری لجام گسیخته جمهوری

اسلامی می توان با رفرم و اصلاحات به خواسته‌های زنان رسید و برای این منظور می کوشند صرفاً ایدئولوژی مذهبی و یا مردان را و نه نظم ظالمانه طبقاتی حاکم را عامل ادبار زنان جا بزنند. اما، آنان اگر خود را مخالف جمهوری اسلامی هم جا بزنند، حتی در لفظ نیز در مخالفت با سیستم سرمایه داری که عامل اصلی ستم بر زن می باشد، سخنی نمی گویند؛ و به این ترتیب در راه رهایی زنان از زیر ظلم و ستم موجود سنگ اندازی کرده و می کوشند شرایط ظالمانه موجود را تداوم بخشند. واقعیت این که خود زندگی با هزاران فاکت نشان داده است که جمهوری اسلامی اصلاح پذیر نیست و این رژیم مهمترین مانع تحقق خواسته‌های زنان تحت ستم می باشد. جمهوری اسلامی نشان داده که حتی تحمل فعالیت در کارگاه های آموزشی جهت آگاهی رسانی به زنان در چهارچوب قوانین خود را هم ندارد و همانطور که اخیراً در خبرها انعکاس یافت ، زنانی که چنین فعالیت هایی را انجام می دهند را به زندانهای طولانی مدت محکوم می کند. به همین دلیل هم هست که چریکهای فدائی خلق همواره بر ضرورت سرنگونی این رژیم تاکید نموده و نشان داده اند که تنها با نابودی جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم که با توسل به انقلاب توسط زنان و مردان مبارز و متحد عملی می گردد، است که مردم تحت ستم ما قادر به برپائی جامعه ای رها از ظلم و ستم خواهند گشت و آزادی واقعی زنان تنها در چنین جامعه ای امکان پذیر خواهد بود.

پیروز باد رزم متحد زنان زحمتکش با مردان هم طبقه ای خود !

هر چه پر توان تر باد مبارزات زنان تحت ستم برای رهایی و برابری واقعی !

جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد !

پیروز باد انقلاب ! زنده باد کمونیسم !

با ایمان به پیروزی راهمان !

چریکهای فدائی خلق ایران

سیزدهم اسفند ۱۳۹۹ برابر با ۳ مارس ۲۰۲۱